

تأثیر جو دانشگاه و نظام ارزشی بر گرایش دانشجویان به مهاجرت از کشور (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه سمنان)

رضا شهریاری پور،* علی اکبر امین بیدختی،* محمدعلی محمدی فر،** کورش کیانی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین جو دانشگاه و نظام ارزشی با گرایش به مهاجرت دانشجویان دانشگاه سمنان انجام شد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه سمنان (۱۳۰۸۹ نفر) که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۳۸۴ نفر از آن‌ها به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری شامل سه پرسش‌نامه استاندارد، گرایش به مهاجرت، پرسش‌نامه جو دانشگاه و پرسش‌نامه زمینه‌یابی ارزشی شوارتز (SVS) بود که پایایی آنها با روش ضریب آلفای کرونباخ برآورد شد. یافته‌های پژوهش میزان گرایش به مهاجرت در بین دانشجویان را متوسط به بالا نشان داد. همچنین، تمامی ابعاد جو دانشگاه و نظام ارزشی، ضمن داشتن رابطه، توانایی پیش‌بینی گرایش به مهاجرت دانشجویان را داشتند. بنابراین با بررسی تأثیر زوایای گوناگون جو دانشگاه و نظام ارزشی دانشجویان، می‌توان به چگونگی رفتار، احساسات، دیدگاه‌ها و نگرش آنان در خصوص گرایش به مهاجرت پی برد و واکنش احتمالی آنان را ارزیابی، پیش‌بینی و حتی هدایت کرد.

کلیدواژه‌ها: فرار مغزها، گرایش به مهاجرت، جو دانشگاه، نظام ارزشی.

rezashahryari@semnan.ac.ir

a.aminbeidokhti@semnan.ac.ir

alimohammadyfar@semnan.ac.ir

kourosh.kiani@semnan.ac.ir

* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول)

** استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان

*** استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه سمنان

**** استادیار دانشکده برق و کامپیوتر دانشگاه سمنان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۹

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۹۹-۱۲۰

مقدمه و بیان مسئله

امروزه نوعی توافق بین‌المللی وجود دارد که سرمایه‌های انسانی از اصلی‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها هستند و کمبود این سرمایه‌ها در کشورهای در حال توسعه، فرآیند رشد و توسعه را به تأخیر می‌اندازد (استارک، ۲۰۰۴)؛ بنابراین پیشرفت و ترقی کشورها در گرو جذب، پرورش، نگهداری و بهره‌برداری صحیح از نخبگان و منابع انسانی فرهیخته است (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲). از این رو نقش سرمایه‌های انسانی^۲ در بهبود وضعیت کشورها پُراهمیت تلقی می‌شود (نان، ۲۰۰۵: ۴۶). از سوی دیگر، مهاجرت نیروی کار ماهر و آموزش‌دیده که به فقدان عظیم سرمایه‌های انسانی منجر می‌شود به چالشی مهم برای سیاست‌گذاران در بسیاری از کشورها تبدیل شده است (داونپورت، ۲۰۰۴: ۶۱۷). مک کنزی^۳ واژه جنگ و رقابت بر سر به‌دست آوردن استعداد را برای توصیف این چالش مطرح کرد (استینتن، ۲۰۰۵: ۴۱). مهاجرت نخبگان به فرایندی گفته می‌شود که در آن متخصصان و نخبگان یک کشور به‌خاطر مشکلات علمی، اقتصادی، فناوری، سیاسی، کمبود امکانات پژوهشی، رفاهی و ناتوانی جامعه در استفاده از تخصص و توان اطلاعاتی آن‌ها، برای کسب تجربه، پیشرفت‌های علمی، دستمزدهای بالا، منزلت، رفاه اجتماعی، آزادی فکری بیشتر و دسترسی به منابع علمی جدیدتر و متنوع‌تر، به‌سوی جوامعی کوچ می‌کنند که به نظر آن‌ها شرایط علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی بهتری دارد و می‌توانند تخصص و توان علمی خود را برای پیشرفت در جامعه به کار گیرند (نوکاریزی، ۱۳۸۳).

در حال حاضر، ایران سهم قابل ملاحظه‌ای از مهاجرت تحصیل‌کردگان را به خود اختصاص داده است: طبق آخرین آمار رسمی ارائه‌شده از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳، کشور ایران در بین ۷۲ کشور در حال توسعه جهان رتبه سوم فرار مغزها را با توجه به جمعیت خود دارا بوده که مقصد بیش از نیمی از این نیروهای متخصص کشور آمریکا است (به نقل از جوادزاده، ۱۳۹۴). طبق آمار ارائه‌شده از سوی این سازمان در سه سال منتهی به سال ۲۰۱۱ (آخرین آمار ارائه‌شده)، حدود ۸۴۵ هزار نفر از ایران خارج شده‌اند که حدود ۴۲۴ هزار نفر از آنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (همان). مطابق آمار ارائه‌شده توسط معاون امور فرهنگی و

¹ Stark

² Human Capital

³ Nunn

⁴ Davenport

⁵ Mackenzie

⁶ Stainton

برنامه‌ریزی بنیاد ملی نخبگان در مهرماه سال ۱۳۹۲، طی سال‌های ۸۲ تا ۸۶، ۳۰ درصد دارندگان مدال‌های المپیادهای علمی و حدود ۲۵ درصد برترین‌های آزمون سراسری به خارج از کشور کوچ کردند (جانعلی‌زاده، علی‌وردی‌نیا و پورقاضی، ۲۰۱۴). براساس آمار موجود، از ۱۷۵ نفر دارندگان مدال المپیادهای کشور طی دو دهه اخیر حدود ۹۲ درصد آنان به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند (نیکوکار، ۲۰۰۹). صندوق بین‌المللی پول در این خصوص گزارش داده است که سالانه حدود ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیل کرده به امید زندگی و یافتن موقعیت‌های شغلی بهتر از کشور خارج می‌شوند و رقم خروج ۱۸۰ هزار نخبه تحصیل کرده از ایران به معنای خروج سالانه ۵۰ میلیارد دلار ارز از کشور است (کریمی و قرائتی، ۲۰۱۳).

از عمدترین خسارت برون‌کوچی نخبگان علمی، می‌توان به فرایند خروج ژن نخبگی (فرار ژن‌ها) از کشور اشاره کرد که باعث کاهش جمعیت کشور به لحاظ کیفی می‌گردد (زلفی‌گل، ۱۳۸۳). به عبارت دیگر، مهاجرت این نیروی کار جوان و تازه‌نفس می‌تواند منجر به از دست دادن خزانه ژنی چنین افرادی در جامعه و کاهش هوش ملی در طی نسل‌ها شود، علاوه بر آن با مهاجرت هر نخبه از کشور، تمام سرمایه‌گذاری‌های مادی انجام‌شده برای تحصیل و پرورش این فرد و امکان بازگشت این سرمایه در سال‌های بعد، از بین رفته و موجب رکود فعالیت‌ها در سیستم اداری کشور خواهد شد. امروزه، دانشجویان ایرانی، از هر فرصت مهاجرت به خارج از کشور استقبال می‌کنند و کوچ آنان برای ادامه تحصیل به خارج از کشور طی سال‌های اخیر به‌مثابه درختی تنومند شده است که باردهی آن نصیب کشورهایی می‌شود که از ظرفیت این جوانان ایرانی بهره می‌برند. پروفسور مجید سمیعی، پروفسور توفیق موسیوند، پردیس ثابتی، مریم میرزاخانی و... تنها برخی از نام‌هایی هستند که همه‌ی ما حداقل نام یکی از آن‌ها را طی سالیان گذشته به‌خاطر کارهای بزرگی که انجام داده‌اند، شنیده‌ایم؛ اما سؤال اینجاست که چرا این افراد در کشور خود مشغول به فعالیت و پژوهش نیستند؟ چه چیزی مسبب خروج دانشجویان نخبه ایرانی و رفتن آن‌ها به کشورهای دیگر بوده است؟

در حال حاضر فرایند مهاجرت در کشور محدود به دانشگاه نیست بلکه به دبیرستان و حتی مقاطع پایین‌تر نیز سرایت کرده است. در ذهن برخی از دانش‌آموزان کشور، مهاجرت از ایران برای ادامه تحصیل از همین دوران کودکی و نوجوانی نقش بسته است. به عبارت دیگر، ما اکنون با یک فرهنگ مهاجرت مواجه هستیم و کشور در این زمینه در حال از دست دادن جاذبه‌های خود برای نگهداشت اعضایش است. تبدیل شدن مهاجرت دانشجویان به یک الگوی غالب در زیست جوانان ایرانی، خاصه اگر بی‌بازگشت باشد، تنها به یک معناست؛ سیستم

¹ Brainy Genes Migration

آموزشی کشور به‌ویژه دانشگاه‌ها پیوند خود را با دیگر نهادهای جامعه از دست داده‌اند و به‌جای رفع نیازهای جامعه به تولید و صادرات نیروی انسانی متخصص و نیمه‌متخصص برای بازار کار جهانی می‌پردازند و همه این نشانه‌ها و آمارها حکایت از وجود بحرانی عظیم در زندگی نسل آینده‌ساز کشور است. قابل استدلال است که اگر کشور نتواند مهارت‌های تولیدشده از طریق سیستم آموزشی خود را حفظ نماید یا مهارت‌های مورد نیاز خود را جذب کند، فقدان مغزها در بخش‌های حساس توانایی کشور را در کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی می‌کاهد. به‌طور کلی چنین مصائب و مشقاتی برای آینده ایران پیامدهای بدی خواهد داشت. اگر این روند رو به افزایش مهاجرت و مهم‌تر، تب‌گرایی به مهاجرت دانشجویان کاهش نیابد، همه این ظرفیت‌های بالقوه و پرافتخار کشور بر باد خواهد رفت و نتایج آن در تمام ابعاد کشور مشاهده خواهد شد. به همین دلیل، از سویی شناسایی و ارزیابی فضای حاکم بر سیستم آموزشی دانشگاه‌ها و از سوی دیگر، توجه به چگونگی رفتار، احساسات، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها و مهم‌تر از همه تأمین نظر دانشجویان کشور اهمیت زیادی دارد.

مبانی نظری

به‌طور کلی دو مدل اساسی در مورد فرایند مهاجرت وجود دارد. در مدل اول مهاجرت جستجویی عقلانی و هدف‌دار به‌منظور یافتن مکانی برای کار یا زندگی تصور می‌شود. در مدل دوم مهاجرت پاسخی غیرارادی به شرایطی است که مهاجر را به نقل مکان سوق می‌دهد و احتمالاً حرکت او بدون در نظر گرفتن راه‌های دیگر است. بنابراین در نظریه‌های مرتبط با مهاجرت دو مدل پویا و ناپویا وجود دارد که گاهی عملاً با هم درمی‌آمیزند و طرح‌های پژوهشی باید جنبه‌های مختلف هر دو مدل مهاجرت را تلفیق کند (فیندلی، ۱۳۷۳: ۳۰). با توجه به اینکه در این پژوهش، گرایی به مهاجرت دانشجویان در شمار هر دو مدل قرار می‌گیرد به بررسی چند دیدگاه مرتبط با این دو مدل می‌پردازیم:

۱- دیدگاه اجتماعی، فرهنگی: براساس این دیدگاه، مهاجرت برای دوری‌جستن از شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده حیات انسانی انجام می‌گیرد. همچنین بنا بر نظریه «محرومیت نسبی» وقتی وضعیت اجتماعی موجود نتواند نیازهای فرد را در حداقل مقدار برآورده کند، افراد فکر مهاجرت به مکان‌های دیگر را دارند که شرایط بهتری برای رفع محرومیت آنان مهیا کند (لهسایی‌زاده، ۱۹۸۹: ۶۰).

۲- نظریه نظام آموزشی اقتباسی: براساس این تئوری، نخستین علت فرار مغزها از کشورهای در حال رشد، به نظام آموزشی آنان ارتباط دارد که به تقلید از الگوهای آموزشی کشورهای اروپایی به وجود آمده است. چنین تقلیدی باعث می‌شود که توجه جوانان این کشور به کشورهای معطوف می‌گردد که به‌وجودآورنده این نظام آموزشی بوده‌اند (نراقی، ۱۳۵۶). در

همین زمینه، لین^۱ (۱۹۸۸، ۲۰۰۶) گسترش آموزش دانش نامناسب با کپی برداری از کشورهای توسعه یافته که سبب تخصیص نادرست منابع در امر آموزش می شود و آلتنباخ و همکاران^۲ (۲۰۰۹) امکانات آموزشی با کیفیت پایین و دسترسی نداشتن به امکانات پیشرفته تحقیقاتی را از جمله مهم ترین عوامل در توجیه مهاجرت دانشجویان کشورهای جهان سوم بیان کرده اند.

۳- دیدگاه تینتو: طرح اصلی مدل تینتو (۱۹۷۵) این است که دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه صفاتی دارند که با سازگاری آنها با نظام دانشگاه در تقابل است. تینتو فرض کرده است که تعاملات دانشجو در دانشگاه ممکن است به تجارب مثبت که افزایش دهنده مقاصد و تعهدات به مؤسسه است، یا تجارب منفی که ضعیف کننده مقاصد و تعهدات به مؤسسه است، منجر شود. اگر تجارب دانشجو در نظام دانشگاهی مثبت باشد، به تقویت اهداف و تعهدات و بنابراین، تقویت تصمیم دانشجو برای ماندن در مؤسسه می انجامد و اگر تجارب دانشجو در نظام دانشگاهی بیشتر منفی باشد، تعهدات و اهداف دانشجو ضعیف می شود و احتمال کمتری برای باقی ماندن دانشجو در نظام وجود دارد.

پیشینه تجربی

پژوهش های داخلی و خارجی بسیاری در رابطه با مهاجرت دانشجویان صورت گرفته اند که هر کدام از زاویه ای خاص به آن نگرسته اند. در این میان، نمونه های زیر نزدیکی بیشتری با موضوع این مطالعه دارند: صادقی و افقی (۱۳۸۴) در پژوهش خود نشان دادند که در کاهش گرایش مهاجرت نخبگان، ویژگی های فردی، مجموعه عوامل داخلی به عنوان ساختار درونی، عناصر خاص دانشگاهی، عوامل ارتباط بین المللی و زیرمجموعه های آن همگی از طریق فضای دانشگاهی تأثیر بسزایی دارند. ارشاد و حمایت خواه جهرمی (۱۳۸۶) نشان دادند که حدود ۹۲/۵ درصد از نخبگان علمی تمایل به برون کوچی از کشور دارند. جعفری معطر (۱۳۸۷) در پژوهش خود ضعف نظام آموزشی ایران را در صدر انگیزه های مؤثر بر دفع مغزها در نظر گرفته است. موحد و نیازی (۱۳۸۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بعد پیامد دین داری، نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران با گرایش به مهاجرت رابطه دارد. حاتمی، جهانگیری و فتاحی (۱۳۹۱) نشان دادند که عواملی رانشی و کششی به گونه ای معنا دار در مهاجرت دانشجویان دختر به خارج از کشور مؤثرند. حسینی (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین ارزش محافظه کاری با تمایل به مهاجرت رابطه معکوس و بین ارزش آمادگی برای تغییر و تمایل به مهاجرت رابطه مستقیم وجود دارد.

¹ Lien

² Altbach

نتایج پژوهش حکیمزاده، طلایی و جوانک (۲۰۱۳) نشان داد، بیگانگی فرهنگی-اجتماعی و سن، همبستگی مثبت و رضایت از نظام آموزشی، همبستگی منفی با متغیر تمایل به مهاجرت دارند و مردان تمایل بیشتر و دانشجویان دوره کارشناسی تمایل کمتری به مهاجرت دارند. یافته‌های جانعلیزاده و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد ۴۵/۳ درصد از نخبگان گرایش به مهاجرت داشتند. مهم‌ترین یافته نظری پژوهش توکل و عرفان‌منش (۱۳۹۴) نشان داد که علی‌رغم افزایش سهم تولید علم و پیشرفت‌های علمی کشور، آمار مهاجرت نخبگان ایرانی همچنان بالاست. نتایج تحقیق زارع و هاشمی (۱۳۹۴) نشان داد که میزان گرایش دانشجویان به مهاجرت متوسط رو به بالا است؛ به طوری که ۴۶/۸ درصد دارای گرایش متوسط و ۳۰/۶ درصد دارای گرایش بالا بوده‌اند و همچنین بین انواع دین‌داری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت از کشور رابطه معناداری وجود دارد.

مایرز^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش خود نشان داد که عضویت و مشارکت در سازمان‌های دینی بر مهاجرت به خارج از کشور تأثیر می‌گذارد. موراکامی^۲ (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان داد که مهم‌ترین عامل ایجاد انگیزه در مهاجرت در میان محققان ژاپنی در دسترس بودن محیط تحقیقاتی عالی است که در تصمیم‌گیری به بازگشت به وطن مؤثر بوده است و محققانی که از محیط پژوهش مطلوب لذت برده‌اند و سطح رضایت بالایی دارند، به احتمال زیاد به میهن خود برنمی‌گردند. پناهی (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر مهاجرت مغزها را در ایران در دو دسته عوامل دافعه (فقدان تسهیلات پژوهشی، محیط سیاسی، ارزش قائل نشدن برای دانش،...) و جاذبه (محترم‌شدن علم و دانش و اهمیت قائل شدن برای نخبگان در کشورهای توسعه‌یافته،...) طبقه‌بندی کرد. پژوهش اینایاتی، آرای و سارجونو^۳ (۲۰۱۲) نشان داد که بعد عامل آموزش، به‌عنوان بانفوذترین عامل، برای تصمیم دانشجویان به عدم بازگشت به کشور اندونزی حکایت می‌کند. یافته‌های پژوهش هالوی و مود^۴ (۲۰۱۲) نشان داد، قوی‌ترین سطح مهاجرت از کشورهای چین، کانادا، هند، انگلستان، استرالیا و دیگر کشورها و در سطح بعدی کشورهایی مانند ایران، مکزیک، سنگاپور، ترکیه، ایرلند، لهستان و دیگر کشورها به سمت ایالات متحده آمریکا وجود دارد. بندیکت و اوکپیر^۵ (۲۰۱۲) دلایل مهاجرت نخبگان علمی آفریقا را به عوامل جاذبه (مثل کیفیت بالای نظام آموزشی و جاذبه‌های اقتصادی) و عوامل دافعه (مثل اشکالات در

¹ Myers

² Murakami

³ Inayati, Arai & Sarjono

⁴ Halevi & Moed

⁵ Benedict & Ukpere

زیرساخت‌های نظام آموزشی) نسبت دادند. یافته‌های تحقیقاتی لی و مون^۱ (۲۰۱۳) نیز نشان داد که تعداد خانم‌ها در مقایسه با آقایانی که در صورت امکان قصد مهاجرت به خارج از کشور را داشتند، به‌طور معناداری بیشتر است و اکمن^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان داد تعداد عوامل جاذبه در دانشجویان مرد از نظر آماری بالاتر از تعداد عوامل جاذبه در زنان دانشجویان بوده است.

در میان عوامل متعددی که در مهاجرت نخبگان دخالت دارند، نقش دانشگاه به‌عنوان سازمانی که این فرهیختگان در آن به فعالیت علمی مشغول بوده‌اند، قابل توجه است (غفوری و اکبری، ۱۳۸۷: ۲۳). در حال حاضر، با نگاهی به عملکرد دانشگاه‌های کشور درمی‌یابیم که در انجام رسالت خویش کارآمد نیستند؛ چراکه از سویی نمی‌توانند نیروهای شایسته علمی و فنی خود را حفظ و موجبات پیشرفت و بقای آن‌ها را فراهم کنند و از سوی دیگر، دانشجویان نیز جو کنونی دانشگاه‌های کشور را فاقد اثربخشی لازم برای توسعه مهارت‌ها و دانش‌های خود می‌دانند؛ بنابراین در جست‌وجوی فضای مناسب‌تری برای شکوفاکردن استعداد‌های خود برمی‌آیند (بلندهمتان و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). از سوی دیگر، برخی از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی نیز معتقدند که با حرکت ساختارهای جامعه به سمت نوسازی و مدرنیته، ارزش‌های افراد جامعه نیز تغییر می‌کند و افرادی که گرایش به ارزش‌های مدرنیته دارند، گرایش بیشتری به مهاجرت دارند (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۹). برگر این تغییرات را نخستین بار در مهم‌ترین نهادهای حامل مدرنیته دنبال می‌کند و دانشگاه که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه بر عهده دارد، به‌زعم وی، یکی از حاملان مدرنیته محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان دانشجویان را یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند (زارع، ۱۳۹۱: ۸). ذکایی (۱۳۸۵) بهره‌مندی از ویژگی‌های مدرنیته در هویت افراد را توضیح‌دهنده انگیزه‌های مهاجرتی نخبه‌های جوان می‌داند.

تاکنون نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی درباره مهاجرت مطرح شده که هر یک از آن‌ها به جنبه خاصی از آن می‌پرداخته و موضوع مهاجرت را در قالب نگرش‌های خاصی تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ بنابراین، این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها شامل همه موارد نبوده و قادر به تبیین انواع انگیزه‌های مهاجرت نیستند. پژوهش حاضر با استفاده از دیدگاه‌های اجتماعی و فرهنگی، نظام آموزشی اقتباسی و تینتو در کنار نظام ارزشی برای کنکاش بیشتر این موضوع مهم کمک گرفته شد تا در تداوم پژوهش‌هایی که تاکنون درباره مهاجرت دانشجویان انجام شده‌اند گامی نو در جهت شناخت بیشتر میزان گرایش و پیش‌بینی به مهاجرت در دانشجویان بردارد.

¹ Lee & Moon

² Akman

جو دانشگاه

جو^۱ به مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که یک سازمان را از سازمان دیگر متمایز می‌سازد (علاقه بند، ۲۰۱۰: ۴۵). از آنجا که جوّ سازمانی مجموعه ارزیابی‌ها و استنباط‌های فردی را شامل می‌شود، این استنباط‌ها آموزش را نیز دربرمی‌گیرد و این محیط و جوّ حاکم بر یادگیری، از عوامل تأثیرگذار در فرایند یاددهی و یادگیری به شمار می‌رود (وارما و همکاران، ۲۰۰۵: ۸). جو در نتیجه تعامل میان آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده در بافتی از محیط سازمانی حاصل می‌شود (لاتر و شارما، ۲۰۰۹). هوی و میسکل^۲ (۲۰۰۸) جو را ویژگی‌های درونی و کیفیت فضای تعاملی می‌دانند که یک دانشگاه را از دانشگاه دیگر متمایز می‌سازد و بر رفتار افراد آن تأثیر دارد. این فضای تعاملی به وسیله ادراک اعضا و توصیف‌های آنان از ویژگی‌های درونی سازمان سنجیده می‌شود (هالپین و کرافت،^۳ ۱۹۶۲) و مبتنی بر رفتارهای اعضا و هنجارهای اجتماعی پذیرفته‌شده در آن دانشگاه است (کینت،^۴ ۲۰۰۸). حاصل نهایی این تعاملات، شکل‌گیری ارزش‌ها، اعتقادات و موازین اجتماعی نظام دانشگاه است (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۵: ۷۸). بنابراین، محیط یادگیری یک تعیین‌کننده رفتاری و نمودار ادراک دانشجو از محیط پیرامون خود در عرصه یادگیری است (گن، ۲۰۰۱: ۳۴۴). بنا به نظر هارتل و همکاران^۵ (۱۹۸۱)، وجود رضایت‌مندی، انسجام و هدفمندی در جوّ اجتماعی کلاس با عملکرد تحصیلی بالاتر و تعارض و کشمکش کمتر در بین فراگیران رابطه دارد؛ و بنا به نظر فرایزر^۶ (۱۹۹۸) و فرایبرگ (۱۹۹۹)، جوّ آموزشی تعیین‌کننده رفتار و یادگیری و به‌طور کلی کیفیت زندگی در محیط آموزشی خواهد بود، به‌نحوی که در تأیید این مدعا، مکنیل^۷ (۲۰۰۹) نیز اظهار داشت که جوّ آموزشی مثبت نه‌تنها بر پیشرفت تحصیلی بلکه بر کاهش رفتارهای نابهنجار مؤثر است. محمدی و پیروی‌نژاد (۱۳۹۲) جوّ آموزشی را پیش‌بینی‌کننده قوی تعهد عاطفی دانشجویان اعلام کرد؛ نوروزی و همکاران (۲۰۱۵) رابطه جوّ دانشگاه با انگیزش تحصیلی دانشجویان؛ و نصرتی و همکاران (۲۰۱۵) رابطه جوّ دانشگاه با خودکارآمدی دانشجویان را همسو اعلام کردند. به‌طور کلی، جوّ دانشگاه اصول حاکم بر بعد علمی و آموزشی سیستم آموزش عالی را توجیه می‌کند که هرگونه ضعفی در آن، کوچ‌نخبگان را در پی خواهد داشت.

¹ Atmosphere

² Hoy & Miskel

³ Halpin & Croft

⁴ Kindt

⁵ Hartel et al.

⁶ Fraser

⁷ Macneil et al.

بنابراین تأثیرپذیری دانشجویان از محیط پیرامونی است که به عنوان یک اصل اساسی در تعلیم و تربیت مطرح و شناخته شده است (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۵: ۹۱). در همین زمینه، صاحب نظران جو منفی حاکم بر دانشگاه‌ها را برای رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی دانشجویان زیان‌بار می‌دانند. بر همین اساس در مدل‌های فرایند ترک دانشگاه، ادغام دانشجو در روابط دانشگاهی مهم‌ترین پیشگویی‌کننده دوام و ماندن دانشجو است (تینتو، ۱۹۹۲؛ واتکینز، ۱۹۹۲). از سوی دیگر، اگر تجارب دانشجو در نظام دانشگاهی بیشتر منفی باشد، تعهدات و اهداف دانشجو ضعیف‌تر شده و احتمال کمتری برای باقی ماندن دانشجو در نظام آموزشی وجود دارد. (تینتو، ۱۹۷۵).

نظام ارزشی

نظریه پردازان ارزش‌ها را اساس فهم رفتارهای اجتماعی دانسته‌اند (دیز کیت، ۲۰۰۹)، و ارزش‌ها یکی از ابعاد مهم و اساسی شخصیت و زندگی اجتماعی (شکمن، ۲۰۰۲)، و جهت‌دهنده و تعیین‌کننده رفتار (روکیچ، ۱۹۷۳)، و پایه و اساس درک نگرش‌ها و انگیزش افراد (رایبیز و جاج، ۲۰۰۹) به شمار می‌روند. به زعم شوارتز^۱ ارزش‌ها، به عنوان مفاهیم مطلوب، اعمال انتخابی افراد و ارزیابی رویدادها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و بخشی از انتخاب رفتار در شرایط خاص توسط ارزش‌ها تعیین می‌شوند (عیسی‌زادگان، ۱۳۹۱). این بدان دلیل است که ارزش‌ها را به عنوان محرک‌های انتزاعی و عمیقاً ریشه‌داری در نظر می‌گیرند که راهنما، توجیه‌گر و تبیین‌کننده نگرش‌ها، هنجارها و باورها هستند (حسینی، ۱۳۹۲). در واقع این ارزش‌ها هستند که چهارچوب‌های ویژه‌ای برای افراد جامعه تعیین می‌کنند تا اینکه بدانند در هر موقعیتی چه رفتار و پاسخی مناسب است (اسمیت و شوارتز، ۱۹۹۷). براساس نظریه شوارتز (۲۰۰۵) ده نوع ارزش باعث شکل‌گیری چهار تیپ ارزشی شامل تیپ توجه به ماورای خود، تیپ توجه به خود، تیپ محافظه‌کاری^۲ و تیپ آمادگی برای تغییر^۳ می‌شود. از موارد مهم

¹ Watkins

² Days kate

³ Shechtman

⁴ Rokeach

⁵ Schwartz

⁶ Self-Transcendence

⁷ Self-Enhancement

⁸ Conservation

⁹ Openness to Change

نظریه ارزش (شوارتز، ۱۹۹۲) فرض روابط پویایی تعارضی و توافقی بین گونه‌های ارزشی به شکل مدور است که ساختار دوبعدی را به وجود می‌آورد:

نخستین بُعد، آمادگی برای تغییر در برابر محافظه‌کاری، ارزش‌هایی را که بر فکر و عمل مستقل خویش و طرف‌داری از تغییر تأکید می‌کنند (خودتکایی و برانگیختگی) در تضاد با ارزش‌هایی قرار می‌دهد که بر خودمحدودکنندگی تبعیت‌جویانه، حراست از رسوم سنتی و حفظ ثبات تأکید می‌کنند (امنیت، هم‌نوایی و سنت). بُعد دوم، توجه به خود در برابر توجه به ماورای خود، ارزش‌هایی را که بر پذیرش دیگران به‌منزله افراد برابر با خود و علاقه‌مندی به رفاه آن‌ها تأکید دارند (جهان‌گرایی و خیرخواهی) در تضاد با ارزش‌هایی قرار می‌دهد که بر پیگیری موفقیت شخصی خویش و سلطه بر دیگران تأکید می‌ورزند (قدرت و موفقیت) (شوارتز و ساگیو، ۱۹۹۵). بنابراین، وقتی فرد ارزش‌هایش را براساس اهمیتی که دارد مرتب می‌کند، نظام ارزشی^۲ خود را مشخص می‌کند. برخی از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی معتقدند که با حرکت ساختارهای جامعه به سمت نوسازی و مدرنیته ارزش‌های افراد جامعه نیز تغییر می‌کند و افرادی که گرایش به ارزش‌های جامعه مدرنیته دارند، گرایش بیشتری به مهاجرت دارند (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۹). ذکایی (۱۳۸۵) بهره‌مندی از ویژگی‌های مدرنیته در هویت افراد را توضیح‌دهنده انگیزه‌های مهاجرتی نخبه‌های جوان می‌داند. ارزش‌ها با عملکرد آموزشی (کاینه،^۳ ۱۹۸۸) و تصمیم‌گیری شغلی (راولین و مگ‌لینو، ۱۹۸۷) رابطه دارند. فرامرزی (۱۳۷۹) در بررسی ساختار ارزشی دانشجویان دانشگاه با استناد به نظریه شوارتز نشان داد که چهار نوع کلی و فرانظمی حاکم بر سلسله‌مراتب ارزشی دانشجویان به‌ترتیب شامل توجه به ماورای خود، محافظه‌کاری، پیشبرد اهداف شخصی و تمایل به تغییر بوده است. بنابراین وقتی صحبت از نظام ارزشی موردنظر دانشجویان به میان می‌آید، انتظار می‌رود تا نگرش‌ها، باورها، آسیب‌ها و چشم‌اندازهای گرایشی آن‌ها را به‌خوبی برآورد کرد و آشکار ساخت. چراکه به نظر می‌رسد تغییر و تحولات رخ داده در جامعه بر میزان گرایش دانشجویان نسبت به برخی ارزش‌های اجتماعی تغییراتی صورت گرفته است.

فرضیه‌ها

(۱) در بین دانشجویان دانشگاه، گرایش‌های گوناگونی به مهاجرت وجود دارد.

¹ Schwartz & Sagiv

² Value System

³ Coyne

۲) بین جو دانشگاه (ارتباطی، مشارکت، دانشجومحوری و معنویت) و گرایش دانشجویان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

۳) بین ارزش دانشجویان (محافظه‌کاری، توجه به ماورای خود، آمادگی برای تغییر و توجه به خود) و گرایش آنان به مهاجرت رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-هم‌بستگی است. جامعه آماری پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه سمنان (۱۳۰۸۹ نفر) در نیمسال دوم تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بودند که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، نمونه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم دانشجویان جدول (۱) در هر یک از دانشکده‌های دانشگاه سمنان انتخاب شدند.

جدول ۱. حجم جامعه و نمونه آماری پژوهش

ردیف	دانشکده	جامعه	نمونه
۱	پردیس دانشگاهی	۴۱۱	۱۳
۲	پردیس علوم	۱۷۲۹	۵۱
۳	پردیس علوم انسانی	۲۸۴۸	۸۲
۴	پردیس فنی	۴۳۳۷	۱۲۶
۵	پردیس فناوری‌های نوین	۱۹۲	۸
۶	پردیس هنر	۹۵۱	۲۸
۷	سایر دانشکده‌ها	۲۶۲۱	۷۶
	تعداد کل	۱۳۰۸۹	۳۸۴

با انتخاب تصادفی آزمودنی‌ها در سطح دانشکده‌ها، از دانشجویان به‌منظور همکاری دعوت شد که پس از توزیع ابزار و پیگیری، ۳۴۱ پرسش‌نامه بازگردانده شد (نرخ پاسخ‌گویی = ۸۹ درصد). ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل سه پرسش‌نامه گرایش به مهاجرت دانشجویان، جو دانشگاه و زمینه‌یابی ارزشی بود (جدول ۲).

۱. پرسش‌نامه گرایش به مهاجرت دانشجویان (جانعلیزاده و همکاران، ۲۰۱۴): به‌صورت طیف لیکرت و شامل ۸ گویه بود. روایی و پایایی این پرسش‌نامه براساس پژوهش‌های پیشین مورد تأیید قرار گرفته است. مقدار پایایی آن در پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) محاسبه شد.

۲. پرسش‌نامه جو دانشگاه (نصرتی و همکاران، ۲۰۱۵): شامل چهار بُعد (ارتباطات، مشارکت، دانشجومحوری، معنویت) در ۲۷ گویه که برای مؤلفه‌های ارتباطات و مشارکت هر کدام ۶ گویه

و برای مؤلفه دانشجوی محوری ۸ گویه و معنویت ۷ گویه اختصاص داده شد. مقدار پایایی آن در پژوهش از طریق آلفای کرونباخ (۰/۸۷) مورد تأیید قرار گرفت.

۳. پرسشنامه زمینه‌یابی ارزشی (شوارتز، ۲۰۰۵): این پرسشنامه مشتمل بر ۵۷ گویه است که شامل ۳۰ ارزش غایی و ۲۷ ارزش ابزاری هستند. در این پرسشنامه میزان اهمیت هر یک از مواد پرسشنامه را بر روی یک طیف لیکرت ۹ درجه‌ای (از ۱- مخالف با ارزش‌های من است تا ۷ دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است) مشخص می‌شود. نمره شرکت‌کنندگان در هر یک از ارزش‌ها با استفاده از میانگین‌گیری از درجه‌های داده‌شده به هر یک از آیتم‌های مربوط به ارزش مزبور به دست می‌آید. مقدار پایایی کل مقیاس در پژوهش از طریق آلفای کرونباخ (۰/۹۱) به دست آمد.

یافته‌ها

نتایج به دست آمده از وضعیت جمعیت شناختی پاسخ‌گویان نشان داد که ۵۴/۲ درصد آنها زن و همچنین ۸۹/۸ درصد مجرد بودند که در این میان ۴۶/۸ درصد زیر ۲۰ سال سن داشتند. همچنین سطح تحصیلات ۵۲/۱ درصد دانشجویان کارشناسی بود. سایر اطلاعات جمعیت شناختی در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. توزیع جمعیتی پاسخ‌گویان

درصد	متغیرها	
۵۴/۲	زن	جنسیت
۴۵/۸	مرد	
۸۹/۸	مجرد	تاهل
۱۰/۲	متاهل	
۴۶/۸	زیر ۲۰ سال	سن
۳۹/۴	بین ۲۰-۳۰ سال	
۱/۴۰	بالای ۳۰ سال	
۵۲/۱	کارشناسی	تحصیلات
۳۴/۸	کارشناسی ارشد	
۱۱/۲	دکتری	

فرضیه اول: در بین دانشجویان دانشگاه گرایش‌های گوناگونی به مهاجرت وجود دارد. به منظور بررسی این فرضیه گرایش دانشجویان به مهاجرت در سه سطح (کم، متوسط و زیاد) از آماره‌های توصیفی (فراوانی و درصد) استفاده شده است؛ برای تحلیل تفاوت‌های فراوانی از آزمون کای اسکور تک‌متغیره (نکوئی برازش) استفاده شد که نتایج آن حکایت از وجود تفاوت

¹ Schwartz Value Survey

تأثیر جو دانشگاه و نظام ارزشی بر گرایش به مهاجرت دانشجویان از کشور

در مقولات بود ($p < 0/001$, $X^2 = 102/01$). به بیان دیگر اکثر افراد گرایش متوسطی برای مهاجرت اعلام کردند.

جدول ۳. توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب سطح گرایش به مهاجرت

سطح گرایش به مهاجرت	f	درصد
کم	۳۵	۱۰/۳
متوسط	۱۸۷	۵۴/۸
بالا	۱۱۹	۳۴/۹
جمع کل	۳۴۱	۱۰۰

فرضیه دوم: بین ابعاد جو دانشگاه و گرایش دانشجویان به مهاجرت رابطه وجود دارد. مطابق جدول شماره (۴)، بین جو ارتباطی، مشارکتی، دانشجوی محوری و جو معنویت با گرایش به مهاجرت همگی همبستگی منفی وجود دارد که از بین این ابعاد بیشترین ارتباط مربوط به جو دانشجوی محوری ($p < 0/001$, $r = -0/621$) و کمترین ارتباط مربوط به جو معنویت ($p < 0/001$, $r = -0/125$) است.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین ابعاد جو دانشگاه و گرایش به مهاجرت

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- گرایش به مهاجرت	۱	-	-	-	-
۲- جو ارتباطی	-0/382***	۱	-	-	-
۳- جو مشارکتی	-0/452***	0/554***	۱	-	-
۴- جو دانشجوی محوری	-0/621***	0/490***	0/518***	۱	-
۵- جو معنویت	-0/125***	0/526***	0/511***	0/367***	۱

$p < 0/001$ ***

همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد، همه ابعاد جو دانشگاه به ترتیب مؤلفه‌های جو دانشجوی محوری، مشارکتی، ارتباطی و معنویت در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری برای گرایش به مهاجرت دانشجویان را دارا هستند.

۳۸۲

جدول ۵. ضرایب رگرسیون گرایش به مهاجرت بر اساس ابعاد جو دانشگاه

متغیرهای پیش‌بین	B	β	t	p	R	R^2	R^2_{Adj}	p
جو ارتباطی	0/352	-0/256	4/012	0/000	0/422*	0/178	0/175	0/000
جو مشارکتی	0/223	-0/426	4/745	0/000				
جو دانشجوی محوری	0/201	-0/588	4/412	0/003				
جو معنویت	0/401	-0/138	2/321	0/002				

فرضیه سوم: بین ابعاد نظام ارزشی دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت رابطه وجود دارد. مطابق جدول شماره (۶)، همبستگی بین بُعد ارزش محافظه‌کاری و گرایش به مهاجرت منفی و معنادار ($r = -0.616, p < 0.001$) و دیگر ابعاد نظام ارزشی با گرایش به مهاجرت رابطه مثبت دارند.

جدول ۶. ماتریس همبستگی بین ابعاد نظام ارزشی و گرایش به مهاجرت

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- گرایش به مهاجرت	۱	-	-	-	-
۲- ارزش محافظه‌کاری	-0.616^{***}	۱	-	-	-
۳- ارزش توجه به ماورای خود	0.187^{***}	0.135^{***}	۱	-	-
۴- ارزش آمادگی برای تغییر	0.423^{***}	-0.432^{***}	0.518^{***}	۱	-
۵- ارزش توجه به خود	0.388^{***}	0.425^{***}	0.511^{***}	0.367^{***}	۱

$p < 0.001^{***}$

جدول ضرایب رگرسیون گرایش به مهاجرت براساس ابعاد نظام ارزشی در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج ضرایب رگرسیون گرایش به مهاجرت براساس ابعاد نظام ارزشی

متغیرهای پیش‌بین	B	β	t	p	R	R^2	R^2_{Adj}	p
ارزش محافظه‌کاری	0.452	-0.424	5/223	0/000	0.476*	0.226	0.222	0/000
ارزش توجه به ماورای خود	0.224	0/089	2/425	0/085				
ارزش آمادگی برای تغییر	0.423	0/456	4/052	0/003				
ارزش توجه به خود	0.424	0/391	5/543	0/000				

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که گرایش دانشجویان به مهاجرت بالا است. همان‌طور که جعفری معطر (۱۳۸۷)، آلتنباخ و همکاران (۲۰۰۹) و لین (۱۹۸۸، ۲۰۰۶) ضعف نظام آموزشی در کشورهای جهان سوم را مهم‌ترین عامل مؤثر بر مهاجرت دانشجویان اعلام کردند و در همین زمینه، پورتز^۱ (۱۹۷۶) مهم‌ترین عامل مؤثر در کنترل فرار مغزها را ارتقا و به‌روز کردن سیستم‌های آموزشی می‌داند. بر همین اساس، تغییر در نظام آموزشی و از جمله در نظر گرفتن بحث بومی‌سازی و تطبیق آموخته‌های علمی دانشجویان با نیازهای جامعه امروزی و نیز بخش‌های مختلف صنعت می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد انگیزش و احساس رضایت از نظام آموزشی و در نهایت، جذب تحصیل‌کردگان در بازار کار باشد و این مسئله می‌تواند موجب کاهش تمایل به مهاجرت در دانشجویان شود؛ بنابراین، یکی از هدف‌های مهم مدیران دانشگاه‌ها می‌بایست کوشش برای افزایش کیفیت آموزشی علمی دانشگاه و نیز به حداقل رساندن نارضایتی به‌منظور

¹ Portes

ماندگاری دانشجو باشد؛ چراکه در برابر جاذبه‌های آموزشی آن‌سوی مرزها، صرفاً می‌توانند دافعه‌های سیستم آموزشی خود را کاهش دهند. مطالعات ارشاد و حمایت‌خواه جهرمی (۱۳۸۶)، جعفری معطر (۱۳۸۷)، حکیم‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)، توکل و عرفان‌منش (۱۳۹۴)، زارع و هاشمی (۱۳۹۴)، موراکامی (۲۰۱۰)، پناهی (۲۰۱۲)، اینایاتی، آرای و سارجنو (۲۰۱۲)، هالوی و مود (۲۰۱۲) بندیکت و اوکپیر (۲۰۱۲) و جانعلی‌زاده و همکاران (۲۰۱۴) نتایج این فرضیه را تأیید می‌کند.

نتایج نشان داد که هرچه جو نامطلوبی در دانشگاه حاکم باشد، میزان گرایش به مهاجرت دانشجویان افزایش می‌یابد. این نتایج از یک سو بیانگر تأثیرپذیری دانشجویان از محیط پیرامونشان است که به‌عنوان یک اصل اساسی در تعلیم و تربیت مطرح و شناخته شده است؛ از سوی دیگر حاکی از آن است که پژوهشگران جو منفی را برای رشد شناختی، اجتماعی و عاطفی دانشجویان زبان‌بار می‌دانند. براساس مدل‌های فرایند ترک دانشگاه، ادغام دانشجو در روابط دانشگاهی مهم‌ترین پیشگویی‌کننده دوام و ماندن دانشجو است (تینتو، ۱۹۹۲)؛ بنابراین، در محیط دانشگاه هر چه میزان مشارکت دانشجویان در کلیه فعالیت‌های مرتبط به‌ویژه علمی و آموزشی بالا رود و ساختار آموزشی متضمن دانشجوی‌محوری باشد و همچنین دانشجویان با ارتباطات گسترده، در روند و بازده فعالیت‌های علمی دیگر مؤسسات علمی در سطح کشور و جهان واقع شوند و نیز جو معنوی متناسب با نیاز دانشجویان در محیط دانشگاه حاکم شود، به‌تبع آن گرایش به مهاجرت دانشجویان کاهش خواهد یافت. مطالعات صادقی و افقی (۱۳۸۴)، جعفری معطر (۱۳۸۷)، موحد و نیازی (۱۳۸۷)، حکیم‌زاده و همکاران (۲۰۱۳)، زارع و هاشمی (۱۳۹۴)، مایرز (۲۰۰۰)، موراکامی (۲۰۱۰)، اینایاتی، آرای و سارجنو (۲۰۱۲) و بندیکت و اوکپیر (۲۰۱۲) یافته‌های این فرضیه را تأیید می‌کند.

به نظر می‌رسد توسعه و دموکراتیک‌شدن به‌عنوان دو عنصر مهم که تأثیر مستقیمی بر اولویت ارزشی افراد می‌گذارند و اولویت‌های ارزشی بسته به مرحله رشد و توسعه جوامع با هم متفاوت است. به‌طوری‌که در جامعه توسعه‌نیافته در قیاس با جوامع توسعه‌یافته گرایش افراد به ارزش‌هایی مانند محافظه‌کاری و ارزش توجه به خود افزایش می‌یابد. همچنین در جامعه توتالیتر در قیاس با جوامع دموکراتیک، ارزش توجه به خود اهمیت بیشتری می‌یابد (شوارتز، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، نتایج نشان داد که ارزش‌ها از لحاظ تجربی ابعاد مهم رفتار، عملکرد آموزشی و تصمیم‌گیری شغلی، سیستم آموزشی و حتی گرایش به مهاجرت دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین نتایج حاکی از آن بود که ارزش‌های افراد قابل شناسایی و ارزیابی هستند. افزون بر این، ارزش‌ها از درون داده‌های تصمیم‌گیری هستند و میل به پیشرفت و دستیابی به امور ارزشمند دانشجویان را به جستجوی فرصت‌هایی فراتر از امکانات موجود

ترغیب می‌کند (راهشخو، رفیعیان و امینی، ۱۳۹۱). به همین دلایل، بایستی از نظام ارزشی دانشجویان آگاه باشیم؛ چراکه ارزش‌ها نه تنها آرزوها و باورها بلکه خط‌مشی‌ها، هنجارها و رفتار دانشجویان را شکل می‌دهد. بنابراین می‌توان تقویت ارزش‌های مثبت و تضعیف ارزش‌های منفی در دانشجویان را به‌عنوان یک شاخص اثربخشی در خصوص کاهش گرایش به مهاجرت دانشجویان در نظر گرفت. پژوهش حسینی (۱۳۹۲)، راولین و مگلینو (۱۹۸۷)، کاینه (۱۹۸۸) و مگلینو، راولین و ادکینز (۱۹۸۹) نتایج این فرضیه را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

۱) مطابق یافته‌های پژوهش مبنی بر گرایش بالای دانشجویان به مهاجرت، دانشگاه می‌بایست ابتدا با تغییر نگرش دانشجویان نسبت به سیستم آموزشی از طریق گسترش کیفیت دوره‌های آموزشی اقدام کند؛ سپس می‌تواند با کمک گرفتن از بخش خصوصی و از طریق راهبردهایی نظیر تعامل با صنعت، تأسیس شهرک‌ها و پارک‌های علمی، اجرای پژوهش با توجه به زمینه‌های موردعلاقه مشترک و تدوین برنامه‌های آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار، میزان گرایش به مهاجرت دانشجویان را کاهش دهد.

۲) مطابق یافته‌های فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر جو دانشگاه بر میزان مهاجرت دانشجویان، پیشنهاد می‌شود با فراهم کردن جو ارتباطی مطلوب، باعث مطلع نگه داشتن دانشجویان نسبت به تصمیمات و فعالیت‌های دانشگاه شوند. با فراهم کردن جو مشارکتی مساعد، از دانشجویان برای تصمیمات و حل مسائل نظرخواهی شود تا احساس کنند کارشان در دانشگاه مورد قدردانی و شناخت قرار گرفته و فرصت فعالیت مشارکتی در دانشگاه به آن‌ها داده می‌شود یا این حس مطلوب در دانشجویان ایجاد شود که کلیه اقدامات انجام شده توسط دانشگاه، متضمن جو دانشجو‌محوری است و با فراهم کردن جو مطلوب معنویت، دانشجویان احساس کنند که رفتار مسئولان و استادان در دانشگاه تحت تأثیر گفتار و رفتار بزرگان و آموزه‌های دینی و اخلاقی است تا با فراهم نمودن فضای مطلوب در دانشگاه از مهاجرت دانشجویان کاسته شود.

۳) با توجه به یافته‌های فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر نظام ارزشی بر میزان مهاجرت دانشجویان، دانشگاه می‌بایست با سنجش وضعیت نظام ارزشی در بین دانشجویان به‌عنوان یک شاخص جهت ارزیابی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی دانشگاه اقدام کند تا در خصوص تقویت ارزش‌های مثبت و تضعیف ارزش‌های منفی از طریق راهبردهای گوناگون در بین دانشجویان، جهت کاهش گرایش به مهاجرت دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- ارشاد، ف و حمایت‌خواه جهرمی، م (۱۳۸۶) «بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به برون‌کوچی نخبگان علمی ایران (نظرسنجی از دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)» توسعه انسانی، شماره ۱ (۳): ۲۹-۷.
- بلندهمتان، ک و محمدی، ش (۱۳۹۴) «چرایی خودداری نخبگان از مهاجرت بازنمایی هویت استادی»، راهبرد فرهنگ، شماره (۳۱): ۱۲۷-۱۵۳.
- توکل، م و عرفان‌منش، ا (۱۳۹۴) «رهیافت تلفیقی جامعه‌شناسی علم به مهاجرت نخبگان با تأکید بر جامعه ایران»، سیاست علم و فناوری، شماره ۷ (۲): ۸۳-۹۷.
- جعفری معطر، ف (۱۳۸۷) مهاجرت نخبگان (بررسی زمینه‌های موثر بر گرایش دانش‌آموزان نخبه به مهاجرت)، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جوادزاده، پ (۱۳۹۴) «علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا»، مدیریت فرهنگی، شماره ۹ (۲۸): ۹۵-۱۱۱.
- جهانگیری، ح، دادستان، پ، نوروزی، ع. ر و هومن، ح. ع (۱۳۸۸) بررسی وضعیت سلسله‌مراتب ارزش‌ها در بین دانشجویان تحصیل‌کرده با قصد ادامه تحصیل در خارج از کشور. تهران: انتشارات البرز فرجاد.
- حاتمی، ع، جهانگیری، ج و فتاحی، س (۱۳۹۱) «بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل‌کرده به مهاجرت به خارج از کشور: مطالعه موردی دانشجویان دختر مراجعه‌کننده به مراکز اعزام به خارج دانشجو شهر شیراز»، زن و جامعه، شماره ۳ (۲): ۵۵-۸۰.
- حسینی حاصللو، م (۱۳۹۲) بررسی رابطه نظام ارزی با تمایل به مهاجرت به خارج از کشور، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی چاپ‌نشده، دانشگاه پیام نور.
- ذکایی، م. س (۱۳۸۵) «جوانان، جهانی‌شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان»، جامعه‌شناسی/ایران، شماره ۷ (۲): ۴۱-۷۵.
- راهشخو، م، رفیعیان، م و امینی، ا (۱۳۹۱) «بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج از کشور (نمونه موردی: دانشگاه علوم پزشکی پته، شهر پیچ کشور مجارستان)»، پژوهش/اجتماعی، شماره ۴ (۱۶): ۸۳-۱۰۴.
- زارع، س (۱۳۹۱) مطالعه سطح و انواع دین‌داری دانشجویان دانشگاه‌های شهر قم، پایان‌نامه دکتری چاپ‌نشده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- زارع، س و هاشمی، س. ح (۱۳۹۴) «بررسی رابطه انواع دین‌داری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور (دانشجویان کلیه مقاطع دانشگاه علامه طباطبایی)»، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۶ (۳): ۵۳-۸۰.

زلفی گل، م. ع (۱۳۸۴) «مهاجرت زن‌ها»، رهیافت، شماره ۱۳ (۳۴): ۱۳-۲۲.
شاه‌آبادی، ا، سپهردوست، ح و جامه‌بزرگی، آ (۱۳۹۱) «تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته»، سیاست علم و فناوری، شماره ۵ (۱): ۷۸-۹۸.

شاه‌آبادی، ا و جامه‌بزرگی، آ (۱۳۹۲) «تأثیر آزادی اقتصادی بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب G77 به ایالات متحده آمریکا»، پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۱۷ (۶۷): ۱۵۳-۱۸۲.
صادقی، ع و افقی، ن (۱۳۸۴) «نقش دانشگاه‌ها در کاهش مهاجرت نخبگان»، رهیافت، شماره ۲۲ (۳۶): ۲۲-۳۰.

صحبتی‌ها، ف، جمالی مهموئی، ح. ر و منصوریان، ی (۱۳۹۲) «مطالعه علم‌سنجی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا»، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، شماره ۴۷ (۳): ۲۷۳-۲۸۶.

عیسی‌زادگان، ع (۱۳۹۱) «نظام ارزش‌ها، شخصیت و تغییر»، معرفت، شماره ۲۱ (۱۷۹): ۷۹-۹۳.

غفوری، ع و اکبری، ح (۱۳۸۷) «مهاجرت نخبگان، تأثیرات، علل و راهکارها»، طب و تزکیه، شماره ۸ (۳۵): ۲۲-۳۰.

فیندلی، س (۱۳۷۳) برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه ع. ع. لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید.

لهسایی‌زاده، ع. ع (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.

محمدی، م و پیروی نژاد، ز (۱۳۹۲) «رابطه بین جو آموزشی و انگیزش درونی با تعهد عاطفی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز»، آموزش مهندسی ایران، شماره ۱۵ (۶۰): ۷۱-۹۰.

موحد، م و نیازی، ص (۱۳۸۷) «رابطه میان گرایش دانشجویان دختر به مهاجرت خارج از کشور با ویژگی‌های فرهنگی آنان»، پژوهش زنان، شماره ۶ (۱): ۲۹-۵۴.

نراقی، ا (۱۳۵۶) جامعه، جوانان، دانشگاه، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

نوکاریزی، م (۱۳۸۳) «جغرافیای فرار مغزها و تأثیر آن بر جریان اطلاعات»، کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۷ (۳): ۳۹-۶۰.

Akman, V (2014) 'Factors in Flouncing International Student Migration :A Survey and Evaluators of Turkey's Case', *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 5 (11): 390-415.

- Alagheband, A (2010) *Principles of Management Theoretical Foundations and Principles of Educational Management*, Tehran: Ravan.
- Allport, G. W (1935) 'Attitudes', In C. M. Murchison (Ed.), *Handbook of Social Psychology* (pp. 798-844). Winchester, MA: Clark University Press.
- Altbach, P. G, Reisberg, L & Rumbley, L. E (2009) 'Trends in Global Higher Education: Tracking Academic Revolutions', *UNESCO 2009 World Conference on Higher Education*, Paris, 5-8 July 2009.
- Benedict, O. H & Ukpere, W. I (2012) 'Brain Drain and Africal Development: Any Possible Gain from the Drain?' *Frican Journal of Business Management*, 6 (7): 2421-2428.
- Davenport, S (2004) 'Panic and Panacea: Brain Drain and Science and Technology Human Capital Policy', *Research Policy*, 33 (4): 617-630.
- Coyne, B. J (1988) 'The Predictive Validity of the Rokeach Values Survey for College Academic Achievement', *Educational and Psychological Measurement*, 48: 165-173.
- Days, K (2009) 'Creating and Sustaining Effective Learning Environments. All Ireland Society for Higher Education', *AISHE-Journal*, 1 (1): 1-13.
- Fraser, B. J (1998) 'Classroom Environment Instruments: Development, Validity, and Applications', *Learning Environments Research*, 1: 7-33.
- Freiberg, H. J (Ed) (1999) *School Climate: Measuring, Improving, and Sustaining Healthy Learning Environments*, London: Flamer Press.
- Genn, J. M (2001) 'AMEE Medical Education Guide. No. 23 (Part 1), Curriculum, Environment, Climate, Quality and Change in Medical Education a Unifying Perspective', *Med Teach*, 23: 337-344.
- Halevi, G & Moed, H. F (2012) 'International Scientific Migration Analysis Generates New Insights', *Research Trends*, 31: 12-14.
- Halpin, A. W & Croft, D. B (1962) *The Organizational Climate of Schools*, Washington D.C, U.S. Department Of Health, Education & Welfare: National Institute of Education.
- Hakimzadeh, R, Talae, A & Javanak, M (2013) 'The Impact of Educational, Social and Cultural Tendency to Migrate From the Country in Tehran University Students', *Research and Planning in Higher Education*, 69: 81-102.
- Hartel, G. D, Walberg, H. J & Hartel, F. H (1981) 'Social Psychological Environments and Learning a Qualitative Synthesis', *British Educational Research Journal*, 7: 27-36.
- Hoy, W. K & Miskel, C. G (2008) *Educational Administration Theory, Research, and Practice*, New Yourk: Mc Graw-Hill.
- Inayati, T, Arai, T & Sarjono, P. U (2012) 'Simulation Analysis of Brain Drain Phenomena from Indonesia Using System Dynamics', *International Journal of BRIC Business Research*, 1 (1): 1-14.

- Janalizadeh Choobbasti, H, Aliverdinia, A & Pourghazi, S (2014) 'Sociological Survey Tend to Scientific Elite Emigration', *Culture Strategy*, 1 (25): 153-178.
- Karimi, N & Gharaati, S (2013) 'Why do Brain Drain? Brain Drain in Iran's Political Discourse', *Cadaad Journal*, 6 (2): 154-173.
- Kindt, C. A (2008) Relationship between Organizational Climate and Job Satisfaction among Middle School Principals in Central Florida, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Florida, Florida.
- Lather, A. S & Sharma, H (2009) 'Role and Importance of Training Climate for Effective Training Programs', *Enterprise Risk Management*, 1 (1): 72-82.
- Lee, E & Moon, M (2013) 'Korean Nursing Students' Intention to Migrate Abroad', *Nurse Education Today*, 33 (12): 1517-1522.
- Lien, D (2006) 'International Accreditation and Brain Drain: A Simple Model', *Economics of Education Review*, 25: 335-340.
- _____ (1988) 'Appropriate Scientific Research and Brain Drain: A Simple Model', *Journal of Development Economics*, 29: 77-87.
- Macneil, J, Angus, L. Prater, D & Busch, S (2009) 'The Effects of School Culture and Climate on Student Achievement', *Int. J. Leadership in Education*, 12 (1): 73-84.
- Meglino, B. M, Ravlin, E. C & Adkins, C. L (1989) 'A Work Values Approach to Corporate Culture: A Field Test of the Value Congruence Process and Its Relationship to Individual Outcomes', *Journal of Applied Psychology*, 74: 424-432.
- Meyer, J & Brown, M (1999) 'Scientific Diasporas: A New Approach to the Brain Drain', *World Conference on Science*, UNESCO, ISCU.
- Murakami, Y (2010) 'Japans Brain Drain an Analjsis of Japanese Researches Living in the United States', *The Japanese Economy*, 37 (2): 23-57.
- Myers, S (2000) 'Impact of Religious Involvement on Migration', *Social Forces*, 79 (2): 755-783.
- Nikoukar, M. R (2009) Studying Tendency to Migration among Graduate Students' of University of Tehran, Unpublished Master Dissertation, University of Tehran, Tehran (in Persian).
- Norouzi, R. A, Nosrati Hashi, K, Hatami, M & Motaghi, Z (2015) 'The Relationship Between University Atmosphere (Communication, Participation, Student- Centered, Spiritual) with Academic Motivation Of Students', *Culture at the Islamic University*, 5 (1): 77-100. (in Persian).
- Nosrati Hashi, K, Najafi, M, Amini, M, Hatami, M & Motaghi, Z (2015) 'The Relationship between University Atmosphere (Communication, Participation, Student- Centered, Spiritual) with Self-Efficacy Students', *Journal of Education*, 10 (43): 1-24. (in Persian).
- Nunn, A (2005) Academic and Skilled Migration to the UK and its Impacts on Africa, Report to the AUT and NATFHE.

- Panahi, R (2012) 'Factors Affecting Brain Drain from Iran', *Journal of Basic and Applied Science Scientific Research*, 2 (3): 3003-3015.
- Portes, A (1976) 'Determinants of the Brain Drain', *International Migration Review*, 10 (4): m 489-508.
- Ravlin, E. C & Meglino, B. M (1987) 'Effect of Values on Perception and Decision-Making: A Study of Alternative Work Values Measures', *Journal of Applied Psychology*, 72: 666-673.
- Robbins, S, Timothy, P & Judge, A (2009) *Organizational Behavior* (13th Edition), New Jersey, United States: Pearson- Prentice Hall.
- Rokeach, M (1973) *The Nature of Human Value*, New York: Free Press.
- Rowley, J (2003) 'Retention: Rhetoric or Realistic Agendas for the Future of Higher Education', *The International journal of Educational Management*, 17 (6): 248-53.
- Saxenian, A (2000) Brain Drain or Brain Circulation, Modern Asia Series, Harvard University, Asia Center.
- Schwartz, S. H (2005a) 'Basic Human Values: Their Content and Structure across Countries', In A. Tamayo & J. B. Porto (Eds.), *Valores e Comportamento Nas Organizacoes* [Values and behavior in Organizations] (pp. 21-55), Petropolis, Brazil: Vozes.
- Schwartz, S. H & Sagiv, L (1995) 'Identifying Culture-Specifics in the Content and Structure of Values', *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 26: 92-116.
- Shechtman, Z (2002) 'Validation of the Democratic Teacher Belief Scale [DTBS]', *Assessment in Education*, 9: 363-377.
- Smith, P. B & Schwartz, S. H (1997) 'Values', In J. W. Berry, M. H. Segall, & C. Kagitcibasi (Eds.), *Handbook of Cross-Cultural Psychology* (2nd ed., Vol. 3, pp. 77-118), Boston: Allyn & Bacon.
- Stanton, A (2005) 'Talent Management: Latest Buzzword or Refocusing Existing Processes?' *Competency and Emotional Intelligence*, 12 (4): 39-43.
- Stark, O (2004) 'Rethinking the Brain Drain', *World Development, Great Britain*, 32 (1): 15-22.
- Tinto, V (1975) 'Dropout from Higher Education: A Theoretical Synthesis of Recent Research', *Review of Educational Research*, 45 (1): 89-125.
- Tinto, V (1992) 'Student Attrition and Retention', in B. R. Clark & G. R. Neave (Eds.), *The Encyclopedia of Higher Education (1697-1709)*, Oxford: Pergamon Press.
- Varma, R, Tiyagi, E & Gupta, J. K (2005) 'Determining the Quality of Educational Climate across Multiple Undergraduate Teaching Sites Using the DREEM Inventory', *BMC Med Educ*, 21: 8.
- Waters, J. L (2009) 'Immigration, Transnationalism and 'Flexible Citizenship' in Canada: an Examination of Ong's Thesis Ten Years on', *Tijdschrift Voor Economische en Sociale Geografie*, 100 (5): 635-645.

Watkins, D (1992) 'Faculty and Student Interaction', In B. R. Clark & G. R. Neave (Eds.), *The Encyclopedia of Higher Education* (pp. 1605-1614), Oxford: Pergamon Press.

United Nations (2013) 'World Migration in Figures. Department of Economic and Social Affairs', Retrieved from www.oecd.org/els/mig/World-Migration-in-Figures.pdf.